موضوع: نقد مسیر پیامبری، روش شناسی بحث

استناد به روایات ائمه اطهار (ع) درباره حقیقت پیامبری

موضوع بحث این بود که علاوه بر قرآن کریم و روایات نبوی (ص) که دلالت روشن دارند که پیامبران، برگزیدگان الهی بوده اند، روایات ائمه اطهار (ع) نیز به روشنی بر این مطلب دلالت دارند.

گفته شده استناد به روایت معصومین در این بحث از باب اینکه آنان منصوب من جانب الله هستند نیست، بلکه به اعتبار این است که علم و رای آنان مستند به آن چیزی است که پیامبر (ص) فرموده است. امیرالمومنین (ع) از کودکی با پیامبر (ص) همواره همراه بودند و علی القاعده چنین فردی بر اساس روش های عقلایی و عرفی اگر سخنی درباره پیامبر بگوید بر اساس دیده ها و شنیده های خود بیان کرده است، مضافا بر اینکه در سخنان آنان استدلال عقلی نیز آمده است.

1. امام صادق (ع) فرمود: « وَ ابْتَعَثَ فِيهِمُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يَحْيى‏ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ لِيَعْقِلَ الْعِبَادُ عَنْ رَبِّهِمْ مَا جَهِلُوا وَ عَرَفُوهُ بِرُبُوبِيَّتِهِ بَعْدَ مَا أَنْكَرُوا وَ يُوَحِّدُوهُ بِالْإِلَهِيَّةِ بَعْدَ مَا عَنَدُوا»[[1]](#footnote-1): انبياء عظام را برانگيخت و ايشان را موظّف ساخت با بشارت و انذار، خلائق را به او دعوت نموده تا هالكين با وجود بيّنه و برهان هلاك شده و رستگاران با قيام حجّت و دليل رستگار گشته و به حيات جاويد نائل شده باشند و نيز بدين وسيله بندگان آنچه را كه قبل از بعث رسل جاهل بودند تعقّل كرده و ربوبيّت حقّ جلّ و علا را كه منكر بودند بشناسد و اقرار به وحدانيتش كرده و معبود يكتا را كه از روى عناد نمى‏پرستيدند به يگانگى پرستيده و ستايش نمايند.

2. امام صادق (ع) در روایت دیگری فرمودند: « أَنَّهُ سَأَلَهُ رَجُلٌ فَقَالَ لِأَيِّ شَيْ‏ءٍ بَعَثَ اللَّهُ الْأَنْبِيَاءَ وَ الرُّسُلَ إِلَى النَّاسِ فَقَالَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ مِنْ بَعْدِ الرُّسُلِ وَ لِئَلَّا يَقُولُوا ما جاءَنا مِنْ بَشِيرٍ وَ لا نَذِيرٍ وَ لِيَكُونَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»[[2]](#footnote-2): مردى از حضرت پرسيد: براى چه خداوند انبياء و رسل را براى مردم فرستاد؟ حضرت فرمودند: براى اين كه بعد از ارسال رسل مردم حجّتى بر خدا نداشته و نگويند: بشير و نذيرى براى ما نيامد و نيز براى اين كه حجّت خدا بر مردم تمام باشد.

قرآن کریم می فرماید خدای متعال انبیاء را فرستاد تا مردم بر خداوند حجت نداشته باشند، اما آیا چنین چیزی ممکن است؟ آری، چون اگر پیامبران نمی آمدند مردم می گفتند: خداوندا تو حکیم هستی و ما را خلق کرده ای و در پیش ما بهشت و جهنم را قرار دادی و به ما ابزار عقل دادی اما این ابزار برای ما کافی نیست، چرا راهنمایی نفرستادی تا راه را بشناسیم. آنچه در این روایت بیان شده استدلال ضرورت وجود پیامبر است و بیان می کند که مقتضای حکمت الهی این است که پیامبران را برای هدایت انسان ها ارسال کند.

3. هشام بن حکم می گوید: زندیقی که منکر خداوند بود سوالاتی از امام صادق (ع) پرسید، از جمله گفت: شما از کجا وجود رسل را اثبات کرده اید. امام (ع) فرمود: «إِنَّا لَمَّا أَثْبَتْنَا أَنَّ لَنَا خَالِقاً صَانِعاً مُتَعَالِياً عَنَّا وَ عَنْ جَمِيعِ مَا خَلَقَ وَ كَانَ ذَلِكَ الصَّانِعُ حَكِيماً مُتَعَالِياً لَمْ يَجُزْ أَنْ يُشَاهِدَهُ خَلْقُهُ وَ يُلَامِسُوهُ وَ يُبَاشِرَهُمْ وَ يُبَاشِرُوهُ وَ يُحَاجَّهُمْ وَ يُحَاجُّوهُ ثَبَتَ أَنَّ لَهُ سُفَرَاءَ فِي خَلْقِهِ يُعَبِّرُونَ عَنْهُ إِلَى خَلْقِهِ وَ عِبَادِهِ وَ يَدُلُّونَهُمْ عَلَى مَصَالِحِهِمْ وَ مَنَافِعِهِمْ وَ مَا بِهِ بَقَاؤُهُمْ وَ فِي تَرْكِهِ فَنَاؤُهُمْ فَثَبَتَ الْآمِرُونَ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْحَكِيمِ الْعَلِيمِ فِي خَلْقِهِ وَ الْمُعَبِّرُونَ عَنْهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُمُ الْأَنْبِيَاءُ وَ صَفْوَتُهُ مِنْ خَلْقِهِ حُكَمَاءُ مُؤَدَّبُونَ بِالْحِكْمَةِ مَبْعُوثُونَ بِهَا غَيْرَ مُشَارِكِينَ لِلنَّاسِ فِي شَيْ‏ءٍ مِنْ أَحْوَالِهِمْ مُؤَيَّدِينَ مِنْ عِنْدِ الْحَكِيمِ الْعَلِيمِ بِالْحِكْمَةِ ثُمَّ ثَبَتَ ذَلِكَ فِي كُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ مَا أَتَتْ بِهِ الرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ مِنَ الدَّلَائِلِ وَ الْبَرَاهِينِ لِكَيْلَا تَخْلُوَ أَرْضُ اللَّهِ مِنْ حُجَّةٍ يَكُونُ مَعَهُ عِلْمٌ عَلَى صِدْقِ مَقَالَتِهِ وَ جَوَازِ عَدَالَتِه‏ »[[3]](#footnote-3): بعد از آن كه اثبات كرديم ما خالقى صانع داشته كه از ما و جميع مخلوقات متعالى بوده، حكيمى است كه ممكن نيست مخلوقات او را مشاهده نمايند و نيز لمسش نمى‏نمايند، با خلائق مباشر نبوده و خلائق نيز با او مباشرت ندارند، او با مخلوقات محاجّه نموده و ايشان نيز با او محاجّه مى‏كنند، پس ثابت شد كه او سفرايى در بين مردم داشته كه ايشان را به مصالح و منافع و آنچه بقائشان به آن بوده و در تركش فنائشان مى‏باشد راهنمايى مى‏كنند و بدين ترتيب ثابت شد كه در ميان خلائق كسانى هستند كه از جانب حكيم عليم مردم را به واجبات امر و از محرّمات نهى مى‏كنند و ايشان همان انبياء و برگزيدگان حقّ عزّ و جلّ بوده كه حكمايى هستند مؤدّب به حكمت و حقّ عزّ و جلّ آنها را برانگيخته و در هيچ حالى از حالات با مردم مشترك نمى‏باشند، ايشان از جانب حكيم تعالى مؤيّد مى‏باشند.

سپس امام عليه السّلام فرمودند: در هر زمان و عصرى بايد چنين رسولى باشد كه دلائل و براهين خود را براى خلائق آورده و به ايشان ارائه دهد تا زمين از حجّتى كه همراهش دليل علمى است و بر صدق گفتار و عدالتش دلالت دارد خالى نباشد.

استدلال حضرت در این روایت چنین است:

1) ما اثبات کرده ایم که برای ما خالقی متعالی وجود دارد که از همه مخلوقاتش بزرگتر است.

2) این آفریدگار ما حکیم است و نمی توان ارتباط حسی او برقرار کرد (نمی توانیم ارتباط چهره با چهره پیدا کنیم).

نتیجه) پس ثابت می شود که بین خداوند و مخلوقاتش سفیرانی است که مطالب را برای مردم بیان می کنند. اینها در میان انسان ها گزینش شده اند و از جانب خداوند به حکمت موید گردیده اند.

4. منصور بن حازم می گوید: به امام صادق (ع) دیدگاهم را عرض کردم تا ببینم آیا آنها را خوب می فهمم یا نه، امام (ع) بعد از شنیدن فرمود: احسنت درست فهمیدی. وی دیدگاه خود را نسبت به شناخت خدا و پیامبر و امام بیان می کند و بعد می گوید: « قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ اللَّهَ أَجَلُّ وَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يُعْرَفَ بِخَلْقِهِ بَلِ الْخَلْقُ يُعْرَفُونَ بِاللَّهِ قَالَ صَدَقْتَ قُلْتُ إِنَّ مَنْ عَرَفَ أَنَّ لَهُ رَبّاً فَقَدْ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَعْرِفَ أَنَّ لِذَلِكَ الرَّبِّ رِضًا وَ سَخَطاً وَ أَنَّهُ لَا يُعْرَفُ رِضَاهُ وَ سَخَطُهُ إِلَّا بِوَحْيٍ أَوْ رَسُولٍ فَمَنْ لَمْ يَأْتِهِ الْوَحْيُ فَيَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَطْلُبَ الرُّسُلَ فَإِذَا لَقِيَهُمْ عَرَفَ أَنَّهُمُ الْحُجَّةُ وَ أَنَّ لَهُمُ الطَّاعَةَ الْمُفْتَرَضَةَ »[[4]](#footnote-4): عرض كردم. هر كه بداند پروردگارى دارد سزاوار است كه بداند براى او خرسندى و خشمى است و خرسندى و خشم او جز بوسيله وحى يا پيغمبر فهميده نشود و كسى كه وحى بر خودش نازل نشود بايد كه در طلب پيغمبران باشد و چون ايشان را ملاقات كرد، بداند كه ايشانند حجت خدا و اطاعتشان لازمست من بمردم.

5. علل الشرایع ج 1 ص 253 .

راه صحیح سخن گفتن در مورد خداوند و صفات ایشان

مرحوم شیخ صدوق درباره اینکه ما نمی توانیم خداوند را در حد خود او بشناسیم گفته است: این بدان خاطر است که قوای فکر و اندیشه ما را خداوند به ما داده است و شناخت ما از طریق همین ابزار است. مرحوم صدار در این باره می فرماید: چون ما هر چه بخواهیم از خلق به خالق علم پیدا کنیم محدود است. هر موجودی هر چقدر هم بزرگ باشد اما چون محدود است خدا نما نیست، حتی اگر وجود نبی اکرم (ص) باشد چون باز ایشان هم مخلوق است و محدود، و لذا نمی توان شناخت کاملی از خداوند داشته باشیم. راه صحیح سخن گفتن در مورد خداوند راه اثبات و تنزیه است به این صورت که مثلا درباره علم الهی بگویم: علم الهی همان است که در اوست و کسی شبیه او نیست.

از محدود نمی توانیم نامحدود را بشناسیم زیرا هر چه بشناسیم باز محدود است در حالی که متعلق معرفت که خدای متعال باشد نامحدود است. بنابراین اگر بخواهیم علم الهی را بیان کنیم می توانیم در باره علم او سخن بگوییم اما کنه آن را نمی دانیم. از امام جواد (ع) سوال شد آیا جایز است بگوییم خداوند شی است (یعنی هستی و واقعیت است). امام فرمود: آری جایز است اما به شرط اینکه از حد تعطیل و تشبیه خارج شود. یعنی اگر بگوییم شی نیست این تعطیل است و اگر بگوییم مانند سایر اشیاء است این تشبیه است، صحیح آن است که بگوییم خداوند شی است اما نه مانند سایر اشیاء. واقعیت دارد اما نه مانند سایر واقعیت ها. یک واقعیت مخصوص به خود دارد.

علامه طباطبایی می فرماید: روش انبیای الهی در خداشناسی، روش اثبات و نفی بوده است؛ نه اثبات تنها و نه نفی تنها، زیرا اولی منجر به تشبیه و دومی منجر به تعطیل است. آنان صفات الهی را اثبات کرده و بعد از ویژگی مخلوقات نفی می کردند. ایشان در مورد آیه: «سبحان الله عما یصفون الا عبدالله المخلصین» در المیزان می فرماید: آیه را اگر عام تر معنا کنیم (که اختصاصی به کافران نداشته باشد)، به این معنا است که همه کسانی که خداوند را توصیف می کنند، باید سبحان الله بگویند، مگر بندگان مخلص الهی. چرا؟ چون آنها توجه به این نقص دارند.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. علل الشرایع، شیخ صدوق، ج1، ص 120 [↑](#footnote-ref-1)
2. علل الشرایع، ج1، ص 121 [↑](#footnote-ref-2)
3. علل الشرایع، ج1، ص 120 [↑](#footnote-ref-3)
4. اصول کافی، شیخ کلینی، ج1، ص 188 [↑](#footnote-ref-4)